

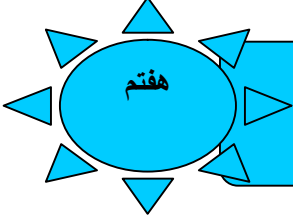
د رحمان حج

زرفنگی

سمنډ

ژبو

Jam monthly



هفتم

2010

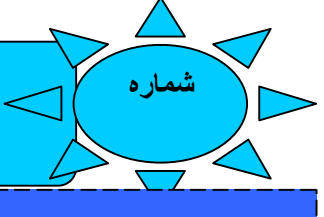
مطابق دسامبر

قوس 1389

جام

سال سوم

صفحه اول



شماره

آنچه که باید میشد، اما نشد!

عبدالرحمن فرهنگ

نکات چند پیرامون اشتباهات استراتژی نظام کنونی افغانستان:

- جنگهای خانمانسوز چند ساله، مردم افغانستان را سخت متاثر و نود فیصد مردم آماده ای تحول شرایط شده بودند. و با آمدن نیروهای امریکه گمان میرفت که صلح و ثبات در کشور پایدار خواهد شد، اما نشد.
- در ابتدای فروپاشی نظام طالبان، تمام گروههای مسلح نیمه جان شده بودند که به آسانی خلع سلاح می شدند، اما نشد.
- باید در ابتدای هرجنگ بردشمن ضربه شدید وارد ساخته میشد و مخالفین صلح و عدالت جامعه به پنجه قانون سپرده میشد، اما نشد.
- حکومت با تحکیم قانون و در پر توایدیولوژی جدید باید بدون ضیاع فرصت فساد ریشه کن می ساخت تا فکرو اذهان مردم از تردها نجات پیدا کرده و از جان و دل به حکومت اعتماد و همکاری میکردند (باید اولاً زمین را شیار و آماده ساخت، سپس تخم کاشت) اما نشد.
- شعار حاکمیت قانون به بی قانونی گرائید و نظامیکه تصمیماتش بر کل قلمرو کشور به منصفه اجرا قرار نگیرد، بی نظامی است. در جائیکه نظام و حاکمیت وجود نداشته باشد، مکافات و مجازات واقعی صورت نگیرد، ریفورم و اصلاحات آن بدون اصلاح خواهد بود. اولاً باید حاکمیت کامل را بوجود آورد و بعد از ایجاد اداره سالم کنترل را جدی و شعار حاکمیت نظام قانونمند را سر داد و از مامورین اطاعت قانون را انتظار برد اما نشد.

ادامه صفحه (دوم)

اسفالت سرک های شهر چغچران چه خواهد شد؟

محمد بلال امیری

دو سال است که مردم غور بی صبرانه منتظر اسفالت شدن سرک داخل شهر چغچران هستند که متأسفانه اسفالت آن به معمای بزرگ حل ناشدنی تبدیل گردیده است و مسئولین ذیربط ادارات دولتی غور در زمینه علت کندی و بی نتیجه بودن کار سرک بی جواب هستند با آنکه چندی قبل طی سه یوم شهروندان و اصناف شهر چغچران غرض جلب توجه حکومت در راستای نابه سامانی های غور و به ویژه در قسمت تکمیل نمودن کاری نیمه سرک داخل شهر اعتصاب عمومی و قانونی که در تاریخ غور واقعاً یادماندنی است، به راه انداختند که در نتیجه باعث آمدن معین وزارت فواید عامه با چند تن دیگر از هیات بلند پایه در غور گردید و در مورد کار اسفالت سرک وعده های چرب و گرم و امید وارکننده به مردم سپردند که با تأسف تاحال وعده های داده شده در زمینه اسفالت سرک عملی نگردیده است زیرا پیش از یکماه میشود که جز ساعت تیری و مزاحمت کردن عابرین کاری دیگری در روی جاده ها و سرک شهر صورت نگرفته است. در عوض اینکه کار باقی مانده سرک جهت عملی ساختن وعده های هیات بلند پایه وزارت فواید عامه و حفظ عزت و اعتبار مسئولین حکومتی و با در نظر داشت فرارسیدن سردی و زمستان جانکاه غور به شدت جریان پیدانماید و این کار نیمه که بی آبروی برای ادارات مسوول ذیربط دولتی و توهین بزرگ به شهروندان عزیز غوری و نادیده گرفتن امیدها و آرزوهای این ملت میباشد از این حالت کشیده شود برعکس مانند قبل فکر میشود که باز هم مردم فریب داده میشود. ایجاب میکند که با درک مسئولیت اسلامی، ملی و وجدانی دولت مردان در راستای به پایه اکمال رسیدن این سرک دلسوزانه وارد عمل شوند. هزار افسوس که اینگونه نشده و این سرک به شکل سرچهارترک شده و ناتراشیده باقی خواهند ماند و این خود خاک انداختن حکومت به چشم ملت بوده و یکبار دیگر مردم حکومت را در مقابل آرزوها و حل مشکلات شان بی توجه یافته و بالاخره در صدد تخریب دولت برآمده و دست به ناامنی میزنند و خود را در برابر آن مسول احساس نمیکنند زیرا در مقابل رژیم مبارزه میکنند که همواره از آن فریب خورده اند و دروغ شنیده اند. در نهایت راه حل این خواهد بود که شهروندان خود در راستای گرفتن حقوق انسانی خویش و دفاع از عزت خود به شکل بسیج ملی و همگانی حرکت نمایند تا اعاده حقوق و عزت و شرف غور صورت گرفته و حکومت فریبکار با وزارت خانه های نابه کار و دروغگوی خویش به نخواستار نجا بوسیله فشار مردمی متوجه کاستی ها و وعده خلافی ها شرم آور و ننگین خویش شده و این مشکل بزرگ شهری را حل نمایند در غیر آن ازین بدتر خواهد شد و سرک های داخل شهر در آینده نیز اسفالت نشده و همچنان قربانی معامله های بی بنیاد خواهد گردید.

مامور

سارارضائی

بغض آسمان ترکید و باران سیل آسا یکباره جاری شده و همه جا را مرطوب ساخت.

نو روز به همین شکل بارندگی ادامه داشت و بعد از دو روز آفتاب از لابلای ابرها رنگ طلایی خود را نشان داد و نورش را با فخر در سراسر این شهر شلوغ می تابانید

مامور دریشی کهنه و از مد رفته ای را که هر صبح به تنش می کرد و سر کارش می رفت.

اما از همه بیشتر قدر این روز آفتابی را نازیه می دانست. آن روز تمام کمپل ها، لحاف و دسک ها را که از شدت چکد داخل خانه مرطوب شده بود، جمع کرده بالایی دیوارها و تناب حولی انداخت.

مامور آن روز که خسته و کوفته به نظر می رسید، زودتر به خانه آمد بالایی چوکی پلاستیکی که یک پایه آن شکسته بود، نشست و رویه نازیه کرد و گفت: نمی پرسی که چرا زود به خانه برگشتم؟ و ناله ای که از نهادش بیرون آمد گفت: مه امروز با مدیر مالی سر حقوق که داد کمی گفتگوی ما شد. نازیه که تا آن لحظه مشغول آفتاب دادن لباس های خانه شان بود دست از کار کشیده آرام آرام به سوی مامور قدم زده آمد و چشمانش را تنگ ساخته به چشمان مامور خیره شد و آهسته پرسید: چرا؟

مامور لبخند تلخی زد و جواب داد: "چرا نداره! پیر شدیم دیگه! وقتی امروز پول حقوق مره میداد، پیش رویم مثل گدا انداخت و گفت که پیر شدی کارم نمی تانی حقوق ام می گیری!" بعد صورتش را یکطرفه کرد و به زمین خیره ماند و آهسته گفت: "آخر چند روز پیش مه او ره ده زمان رشوت خوردنش دیدم و خیره به بالاجای رسانده بودم او از خاطر همو، بدی های خود کد مه شروع کده و مرتباً بانه می کنه و دلیل میاره. خسته شدیم. دیگه سر کار نمی رم. خدا بزرگ است کدام کاری دیگه پیداخاد کدم بیزم ای کار ماموری پیسه کافی نداره که خرج ایال آدمه بس کنه."

بادی خنکی در این لحظه چرخیده و خمیده به فضای چهار طرف حولی، بوی زمستان را با خود می آورد. مامور که با یک تکه کلوخ که در دست داشت در روی دیوار که نزدیکش قرار داشت خط می کشید، در فکر این بود که پس از این معاشات خانه اش را از چه طریق تأمین کند. کچالو فروشی کند، کراچی وانی کند، کدام جای کاری خدماتی پیدا کند، چه کار کند! ...

ادامه در صفحه (سوم)

آنچه باید میشد اما...

نه افراط نه تفریط!

سارارضانی

یکی از احتیاجات اساسی روان انسانها بخصوص افراد نابالغ و یا کودکان، برخورداری از محبت دیگران است. کودکانی که در سال های اول زندگی از محبت پدر و مادر محروم باشند در خانه احساس ناامنی می کنند، از زندگی لذت نمی برند، اغلب سرد و خشن و نسبت به دیگران بی مهر هستند و کمتر مقید به اصول و قوانین اخلاقی خواهند بود. برعکس کودکانی که از محبت پدر و مادر برخوردار هستند، قدرت سازگاری بیشتری دارند، احساس سکون و آرامش می کنند، اعتماد به خویشتر در آنها قوی است و نسبت به میزان اخلاقی حساس می باشند.

عشق و محبت واقعی پدر و مادر نسبت به کودک، امری ضروری و قابل تقدیر است اما محبت بی مورد گاهی مانع رشد شخصیت اطفال می شود. والدین باید متوجه رشد طبیعی فرزندش هم باشند. امکانات، احتیاجات، تمایلات و استعداد کودکان را در هر عرصه در نظر بگیرند تا در هر مرحله از رشد به مقتضای آن عمل کنند. اغلب گفته می شود که والدین مخصوصاً مادرها، کودک خود را دوست دارند و این امر را به عنوان یک اصل مسلم و غیرقابل انکار در مورد تمام مادرها صادق می دانند، اما باید اظهار داشت که این امر عمومیت ندارد بخصوص در جوامع عقب مانده و بی خبر از حقوق طفل. گاهی دیده می شود پدر یا مادر فرزند خود را لت و کوب می کنند و این امر ممکن است معلول عوامل مختلف باشد. مثلاً والدین بر اثر ضعف اقتصادی خود نمی توانند به خواست های کودک خود جواب بدهند از این رو او را از محبت خود محروم می کنند و جالب اینجاست؛ پدر و مادری که خود از محبت والدین محروم بوده اند، اغلب نسبت به بچه های خویش بی مهر و خشن هستند اما در همه امور مسئله یکسان نبوده گاهی بی مهری والدین به کودکان معلول عدم آشنایی آن ها به احتیاجات اساسی روانی کودکان بوده و سطح آگاهی شان در این مورد ناچیز می باشد.

چنانچه اشاره شد بچه هایی که از محبت والدین محروم هستند اغلب متزلزل و ناراحت می باشند. ممکن است والدین به اشکال مختلف کودک را مورد بی مهری قرار دهند و گاهی بی مهری پدر و مادر نسبت به طفل در رفتار خشونت آمیز آن ها ظاهر می شود. در بعضی موارد والدین برای این که از فرزند خود جهت دست یابی به آرامش، دور شوند او را به وسیله اسباب بازی سرگرم می کنند و از این راه بی مهری خود را به او نمایان می سازند. بعضی از پدر و مادرها، خوب از بچه ها مواظبت می کنند و به موقع به آن ها غذا داده و آن ها را تمیزنگاه می دارند، اما در رفتار آن ها بی حوصلگی دیده می شود، همین امر ممکن است دلیل بر بی مهری آن ها نسبت به کودک شان باشد. در موارد خاصی بی مهری والدین به صورت بهانه جویی از طفل یا عدم تایید اعمال خوب طفل ظاهر می شود. عکس العمل کودکان نیز در مقابل بی مهری والدین به صورتهای گوناگون ظاهر می شود. گاهی بچه های محروم از محبت والدین دچار بیماری های روانی و فزیک می شوند. این بیماری ها آثار بدنی دارد، اما منشأ آن ها روانی است. پیدایش پاره ای از آلرژی ها در میان بچه ها معلول همین امر است. بچه هایی که دچار تب و تشنج می شوند، اغلب از طرف پدر و مادر طرد شده اند یا مدتی از آن ها دور بوده اند. گاهی این دسته از بچه ها سرکش و پرخاشجو بار می آیند، در انجام کارهای بد احساس تقصیر نمی کنند، نسبت به زندگی بدبین هستند، دیگران را دشمن خود فرض می کنند و نسبت به اعمال دیگران همیشه معترض اند. در بعضی موارد بچه های محروم از محبت والدین، حالت تسلیم به خود می گیرند. رفتار زنده والدین را تحمل کرده و به جای اعتراض با روی خوش در مقابل اعمال آن ها عکس العمل نشان می دهند و از این راه کوشش می کنند محبت آن ها را به طرف خود جلب کنند.

بعضی از بچه ها خود را تسلیم تخیلات می کنند و از برخورد به عالم واقع خودداری می کنند. بچه هایی که باهوش هستند و خوب بی مهری پدر و مادر را درک می کنند، اغلب خود را به نادانی می زنند.

گاهی محبت والدین نسبت به کودکان به صورت مراقبت های زیاد ظاهر می شود. کودکانی که بیش از حد تحت مراقبت پدر و مادر قرار دارند مانند بچه های مطرود دچار ناراحتی می شوند. مراقبتهای شدید والدین معلول عوامل خاصی است، گاهی والدین یک فرزند خود را از دست داده اند و در نتیجه بیش از اندازه از فرزندان خود مراقبت می کنند و یا پدر و مادری ممکن است برای چند سال بچه دار نشده باشند و همین امر سبب شود که فرزند تازه خود را زیاد تحت مراقبت قرار دهند و یا خانواده ای که بعد از شش الی هفت فرزند دختر صاحب یک فرزند پسر می شود و یا بر عکس قضیه، به هر حالتش مراقبت زیاد از طفل و محبت بی مورد نسبت به او مانع رشد طبیعی وی خواهد شد. این گونه کودکان، رشد اجتماعی اش عقب می افتد. و اگر والدین بیش از اندازه در کارهای او دخالت کنند، مانع استقلال کارهای فرزندش شده و کودک همیشه منتظر دستور پدر و مادر است و طرز فکر و قضاوت و مسائل اخلاقی و اجتماعی او تابع چیزی است که پدر و مادر به او می گویند.

عکس العمل کودکان در مقابل مراقبت شدید والدین نیز به طریقه های مختلف ظاهر می شود. گاهی بچه ها بر اثر مراقبت شدید حالت اطاعت و تسلیم در مقابل والدین به خود می گیرند یا زمانی در مقابل آنها حالت طغیان و سرکشی ظاهر می شود که نمی توانند با بچه های دیگر لحظات خود را سپری نمایند و از طرف گروه همسن خود مورد بی مهری واقع می شوند، زیرا آشنایی به مهارت های اجتماعی ندارند. اما اکثر این کودکان در تعلیم و تحصیل موفقیت های خوبی کسب می کنند، زیرا مراقبت پدر و مادر سبب پیشرفت معلومات آنها می شود. معلمان در ارتباط با اینگونه کودکان خوب است که احتیاط بیشتری به خرج دهند، چرا که چنین کودکانی در محیط خانواده ای شان متوقع بار آمده اند. و بدون اینکه سایرین آگاه شوند بیشتر آنها را تحت مراقبت قرار دهند. با این دلیل احساسات شان کمتر جریحه دار شده و مانع رشد و استعداد در آنها نمی شود.

- حکومت مشارکت ملی به حکومت محلی وپراکنده منتهی گردید. در کشور که صدها هزار رمل سلاح وگروپ های ضد دولتی نهفته وموجود باشد بهتر میبود که حکومت نظامی غرض سرکوبی حکمفرما میشد.

- تشکیل حکومت مشاوره ای بدون مشوره ،اهانت بر تعین شدگان و بی اعتمادی برخوداست وزرای مشاور با کسب مقام وزارت با خود حثیت یک وزیر امیدهند وزمانیکه ساحه کار خود را صرف می بینند بر آشفته شده واحساس حقارت مینمایند. از مصروف نگهداشتن افراد به لقب های فریبنده که عقده ونفرت به بار آورد، بی مصروفی که در آن طمع نباشد بهتر است. القاب بدون صلاحیت خلاف روحیه اداره سالم است و باید پالیسی نظام بر مبنای میتود منطقی و با اعتماد استواری بود و میشد، امانشد.

- خوبی و بدی نظامها در پرتو منفعت ملتهاست ، از شعار آزادی ودموکراسی که جان ومال مردم در آن مصئون نباشد، حاکمیت مطلقه ای که منافع ملی را در پی داشته باشد، بهتر است. اولادهای که بدون رهبری سالم ومربی به سنین پختگی میرسند، اکثر امضروبی ادب به بار می آیند. باید مردم را تا آوان پختگی نظام بدون رهبری و کنترل فرو نگذاشت، اما نشد.

- تشکیل اردوی ملی وپولس ملی باید سریعتر به اتمام می رسید و در شرایط فعلی نظام ملیشه ای در کشور مناسب نیست، قوماندانان محلی بخاطر بقای خود تعداد زیاد را از مربوطین خویش در اردو و پولس جابجا کرده اند و با این عمل اردو و پولس ملی جای خود را به اردو و پولس محلی داده و ذهنیت سمت وقوم گرایی تشدید گردیده است. اردو باید به سیستم اجباری وجلب احضار میشد، امانشد.

- سروصدهای تند و تیز حمایت از زنان در جامعه سنتی بغیر از برانگیختن تشنجات در داخل خانواده ها دیگر مفاد در نظام حکومتداری ندارد. زیرا اگر میلیونها زن در سالون ها تجمع نمایند یک قوماندان ضعیف میشود و نه حقوق زنان به شعارها تامین میگردد.

- جامعه جهانی اگر به خاطر مبارزه علیه تروریزم در افغانستان آمده اند باید همراه نیروهای امریکای در مبارزات سهم میشدند و استراتژی مشخص وموثر را با افزایش پسته های زنجیره ای در خطوط مرزی جنوب اتخاذ مینمودند. تا در صورت بروز ناامنی نیروهای افغانی بدون ایجاد سنگرو موانع در داخل شهر که جز مزاحمت و پریشان ساختن اذهان عامه دیگر پیامد ندارد قدره کنترل اوضاع میشدند، امانشد.

- سرآزیر شدن مبالغ هنگفت پولی بدون تنظیم بودجه و کنترل مراجع کننده یکی از عوامل نارضایتی مردم از نظام است. مردم زمانیکه نتایج متوقعه مصرف پول را محدود مبینند فکر میکنند که پول وعده داده شده وارد افغانستان وبر مبنای تقسیمات فی مابین گروه ها بلعیده شده است. در حالیکه دخالت دولت در مصرف پول به شکل فرمولیته در حاشیه قرارداد شده قسمت اعظم آن به سلسله دست بدستها به مصرف میرسد. باید پول وعده داده شده بدون قید و شرط وبروکراسی در اختیار دولت گذاشته میشد و با ساختن استراتژی موثر پول با در نظر داشت جوابگویی به ملت مصرف می شد، امانشد.

- فرایند کمکهای بین المللی در افغانستان به شکل جیره ای و آنی بوده و سالانه بیش از یکصد و هفتاد هزار تن مواد غذایی در بدل قیمت گزاف وارد کشور میشود، مسلمانان کمکهایش تسکین کننده داشته هیچ در دروا مدوا نمیکند. اگر بجای آن سیستم زراعتی کشور مکانیزه میشد بدون وارد کردن مواد زراعتی ، نیازمندی مردم رفع وتامین میشد، امانشد (باید بجای ماهی دادن روش گرفتن ماهی آموختانده مشد).

- دورنمای پروژه های انکشافی افغانستان بیشتر بر موارد سیاسی توجه داشته که به همان لحاظ موثریت شان مقطعی و کوتاه مدت بوده است. پول هنگفت که در بیست هزار پروژه همبستگی ملی و دیگر پروژه های کوچک به مصرف رسیده و چهل فیصد شان به منفعت موسسات ، قوماندانان و اربابان محل انجام یافته است. و چل فیصد پروژه های انجام یافته تخریب وبدون استفاده میباشد. اگر این مبالغ به پروژه های زیربنای بادوام در هر ولایت به مصرف میرسد سطح زندگی مردم تغییر میگردوم برای مردم کار و مدارا ایجاد میشد، امانشد.

چکیده اخبار غور

- ❖ جلسه حمایت عملکردها از اطفال (CPAN) غرض بررسی وضعیت اطفال معرض به خطر و اطفال متخلف از قانون از طرف ریاست کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین غور برگزار گردید
- ❖ قوماندان جدید فرماندهی زون غرب از تیم بازسازی ولایتی غور (PRT) که توسط

لتوانیاریبری میشود باز دیده عمل آورد:

قوماندان جدید زون غرب برید جنرال مارسیلیویلاسیسکوبه تاریخ شش عقرب از تیم بازسازی ولایتی (PRT) در چغچران بازدید به عمل آورد و جنرال شاهزاده قوماندان قول اردوی 207 زون غرب و جنرال مجید فرمانده پولیس زون غرب افغانستان او را نیز همراهی میکردند. این هیئت ویژه برای قوماندانی PRT دگروال گیتناراس اسمالیوکالس ملاقات نمودند. همچنین لینس لینکیوچوس مسئول بخش ملکی پی آر تی، سید محمد اقبال منیب والی غور، رئیس امنیت ملی و قوماندان امنیت ولایت غور نیز در این ملاقات حضور داشتند. در جریان جلسه قوماندان پی آر تی ماموریت پی آر تی را رایحه کرده که جمهوری اسلامی افغانستان کمک مینماید تا اقتدار خود را گسترش دهد و زمینه انکشاف در ولایت غور فراهم و استوار گردد. در ضمن در مورد وضعیت امنیتی غور بحث گردیده و گفته شد که در بعضی ولسوالی ها منازعات قومی وجود دارد و در جای هم گروه های تبهکار و شورشیان فعالیت دارند و این گروه ها تلاش دارند تا وضعیت امنیتی را خراب ساخته و کنترل فرمانداری ولسوالی و مردم محل را بدست گیرند.

- ❖ طی محفل خاص پروژهای قالین بافی در سه ولسوالی ولایت غور (توره، ساغر و دولینه) در دفتر ریاست کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین غور افتتاح گردید. این پروژه ها به هزینه 287000 دلار امریکایی برای پنجصد فامیل بی بضاعت و خانم های بیوه به شمول ترینها از طریق توزیع پنجصد کارگاه قالین بافی همراه با همه ضروریات و تجهیزات آن تطبیق خواهد شد که هدف عمده آن جلوگیری از اعتیاد مواد مخدر، بیکاری و مبارزه با فقر میباشد.

- ❖ همچنان پروژه های حرفوی مانند خیاطی، مرغ داری، باغ داری و آشپزی طی مدت سه ماه به شکل آزمایشی در مراکز آموزشهای فنی و حرفوی ریاست کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین غور برای بیوه زنان، خانواده های بی بضاعت، اطفال یتیم و معلولین ایجاد و آغاز گردید که به تعداد 27 نفر از آن از طریق آموزش حرفه مستفید خواهد شد و این پروژه به شکل متداوم جهت آموزش حرفه ها در مراکز متذکره برای طبقه ذکور و نواناث ادامه خواهد یافت.

- ❖ ورکشاپ دوروزه تحت نام ارزیابی از اجراءات مامورین خدمات ملکی توسط نماینده کمیسیون مستقل اصلاحات اداری در مقر ریاست مخابرات و تکنالوژی معلوماتی به اشتراک روسا و کارمندان ادارات دولتی غور برگزار گردید.

- ❖ آقای محمدخان ناجی یکتن از کارمندان با استعداد و فعال بانک ملی غور بخاطر آوردن اصلاحات بحیث منیجر کابل بانک در حالیکه مشکلات زیادی درین بانک وجود داشت تقرر حاصل نمود.

گزارشگر تیمور شاه احمدی

من رادر یابید! چرا این همه محرومیت؟



پدر تو، پدر من و پدر او... خوب به این چهره نگاه کنید! او چند ساله بنظر می رسد؟

در اولین نگاه شاید او را زنی کامل ببینید. شاید هم او را يك فرد ناقص الخلقه بپندارید!

نه! او يك دختر بیست 13 ساله که حبیبه نام دارد و اکنون در رقریه ای در الندر و درمریوطه مرکز چغچران (اگر بتوانیم زندگی بنامیم؟) زندگی می کند.

بچه ها و دختر های قریه در جریان مصاحبه از او به عنوان يك مضحك، یا جن و بلا یاد می کردند. پدرش می گوید: این حادثه در سال 1381 اتفاق افتاد. حبیبه همراه با همسن و سال هایش در جنب کمپ مسلخ هرات مشغول بازی بودند و حبیبه که در آن سال بسیار کوچک بود، بازیچه ای برایش جلب توجه می کند. برداشتن همان وانفلاق همان! حبیبه و يك همبازی دیگرش را به شفاخانه ولایتی هرات منتقل می کنیم. ناخنهای پا و دست حبیبه قطع می شود و صورتش تا ماه ها باند پیچی است. اما لکه های سوختگی از او چهره ای دیگری ساخت. حبیبه همیشه مورد تمسخر و آزار همقطاران خود است. با آنکه او در یاد گیری درسهایش کوتاهی نمی کند. اما از رفتن به مکتب واهمه دارد. او از تمسخر بچه ها و دختر های همسن و سال خود می ترسد.

حبیبه با برادرش به اتاق (پذیرایی) وارد می شود. درابتدا از این غریبه هم هراس دارد. میترسد؛ مبادا او هم با دیده ای تحقیر به این چهره بنگرد! حبیبه با زحمت زیاد و لکننت زبان به سوالات جواب میدهد. در جواب این سوال که آیا مکتب می رود؛ یا خیر؟ جواب مثبت می دهد و می گوید در سال 1388 صنف ششم را کامیاب شده است. اما دیگر علاقه ندارد که به مکتب برود و بچه ها و دختر ها بنحوی و ی را مورد تحقیر و آزار قرار می دهند و از دست معلم ها هم چیزی ساخته نیست! آخر این قسمت من بوده کاکا جان!

پدرش می گوید با رها در هرات با داکترها مشوره کرده ام. داکترها می گویند؛ که ناخن های دست و پایش امکانات ندارد برگردد. اما در قسمت تداوی صورت حبیبه امکانات طبی وجود دارد و با جراحی پلاستیک می شود چهره او را به صورت طبیعی در آورد. خوب با کدام پول باید این دختر را به کابل و شاید به کشور های دیگر ببرم؟ من که خرمم از دو تا سه خروا ر بیشتر نمی شود. پس چه می توانم بکنم؟

دخترک می گوید کاکا جان این که وظیفه پدرم نیست؛ مگر پدرم ماین آورده بود؟

می گویم شاید: پدر تو، پدر من و پدر او..

ارسالی س.ج. علوی

شهر ولدان عزیز!

- ❖ مقالات چاپ شده فقط نظریات نویسنده گان است نه از جام
- ❖ ماهنامه جام درویرایش خود را محق میداند.
- ❖ مطالب ارسال شده مسترد نمیگردد.
- ❖ نظریات و پیشنهادات سازنده شما راه کشای راه ما ست.
- ❖ از همکاران قلمی که مطالب خود را به ما ارسال کرده اند سپاسگذاریم (لوره ماهنامه جام)

مدیر مسئول: حامدالله دادفر 0797031516--dadfar.h@gmail.com

سردبیر: گل احمد عثمانی 0797026508--osmany786@gmail.com

معاون سردبیر: برهان الدین علوی

ویراستار: فضل احمد امینی

گزارشگر: تیمور شاه احمدی (0797185069).

طرح: خان محمد سیلاب

هیات تحریر: استاد فایق، سارارضائی، استاد محبوبی و عبدالستار سنجر

تیراژ: 1000

آدرس دفتر: ولایت غور مرکز چغچران